

افشاردوست در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: چین نتوانست فشار تیم ما را طاق‌ت بیاورد

نسل پرستاره قبلی در لیگ ملت‌ها مدال نگرفت، به جوانان فرصت بدهیم

تیم‌ملی جوان ایران برای سسکو در این رقابت‌ها و رقابت‌های آتی به چه چیزی نیاز دارد؟

تیم‌ملی ما جوان شده و باید آستانه صبرمان را بالا ببریم و تحمل کنیم. باید به کادر فنی اعتماد و از آن حمایت کنیم و اجازه دهیم تا مسابقات مختلف و موقعیت‌های مختلف را تجربه کنند. شرایط را ببینند و در تورنمنت‌های مختلف شرکت کنند. این شرکت در تورنمنت‌های مختلف قطعا تجربه آنها را بیشتر می‌کند. امیدوارم که این تیم جوان بتواند با تجربه شود، بعضی بازیکنان جوان برای بار اول و دوم است که لیگ ملت‌ها را از نزدیک لمس می‌کنند و طبیعی است که اینها باید تعداد زیادی در لیگ ملت‌ها بازی کنند تا بتوانیم از آنها انتظار داشته باشیم و امیدوار باشیم نسل خوبی از والیبال ما بسازند. می‌شود به این بچه‌ها اعتماد کرد، در کنار این بچه‌ها می‌شود بازیکنان دیگر به تیم اضافه شوند. از تیم‌ملی جوانان طی یکی دو سال آینده بازیکن بالا می‌آید و به تیم‌ملی بزرگسالان می‌رسد. قطعا آنها هم می‌توانند کمک و شرایط خوبی را ایجاد کنند. باز هم تکرار می‌کنم فکر می‌کنم حداقل یکی دو سالی زمان نیاز هست که بازیکنان به آن شرایطی که باید امیدوار باشیم بازی‌های خوبی را ببرند و نتایج خوبی را بگیرند، برسند.

میلاد عبادی پور بازوبند کاپیتانی را در این رقابت‌ها به بازو بسته است. می‌توانند جای خالی معروف را به عنوان کاپیتان تیم پر کند؟

میلاد را از زمانی که بازیکن تیم‌ملی نوجوانان بود می‌شناسمش و درواقع مربی میلاد در تیم‌ملی نوجوانان بودم. جوان جویای نام و علاقه‌مند به پیشرفت بود که همان روزهای اول که در اردوی تیم‌ملی نوجوانان در اصفهان دیدمش به آقای عطایی گفتم چقدر در والیبال خوش استایل است. چون هم‌پست خود من یعنی دریافت‌کننده قدرتی بود خیلی از بازی‌اش خوشم آمد و با تیم‌ملی نوجوانان در رقابت‌های قهرمانی جهان بازی کرد. در ادامه در لیگ دیدمش و او پله‌های ترقی‌ری را یکی‌یکی طی کرد تا به اینجا برسی‌د که امروز کاپیتان تیم‌ملی‌مان است. میلاد بازیکن خوب، باهوش و درحال حاضر بازیکن بسیار باتجربه‌ای است که پیش بزرگان والیبال چون سعید معروف، سید موسوی، غفور و قائمی کار و کاپیتانی را یاد گرفته است. طبیعی است که از هرکدام‌شان یک چیز یاد گرفته باشد. باتجربیات خودش که میلاد سال‌هاست در لیگ لهستان به دست آورده است قطعا می‌تواند یک کاپیتان خوب برای تیم‌مان باشد. همه می‌دانند کاپیتان باید رابط خوبی بین کادر فنی و بازیکنان باشد و باید بازیکنان به او اعتماد کنند که فکر می‌کنم الان بازیکنان این اعتماد را به میلاد دارند. کادر فنی هم باید به کاپیتانش اعتماد کند که سرمربی تیم ما هم این اعتماد را به کاپیتانش دارد. ضمن اینکه میلاد شرایط را درک می‌کند و در کنارش شخصیت، متانت، رفتار، ادب و احترام به بزرگ‌تر را دارد و همه اینها مشخصاتی است که در میلاد دیده می‌شود. ضمن اینکه کاپیتان باید از همه بازیکنان سخت‌کوش‌تر باشد و بیشتر تلاش کند و بیشتر حرف کادر فنی را گوش دهد و من میلاد را شایسته این بازوبند می‌دانم و امیدوارم کاپیتانی روی دوش او سنگینی نکند و از کار خودش به‌عنوان بازیکن غافل نشود و مدیریت کند، او تا اینجا ی کار هم شایستگی‌اش را ثابت کرده است.

حرف پایانی شما؟

امیدوارم تیم‌ملی کشورمان در لیگ ملت‌ها نتایج خوبی بگیرد ولی بدانیم که از یک تیم جوان شده نمی‌توانیم انتظار یک تیم خارق‌العاده را داشته باشیم. اینها باید تجربه کنند و یاد بگیرند و تبدیل به تیمی شوند که برای سومین بار ما را به المپیک ببرند.



داشتیم که والیبال ما را به دنیا معرفی کرد. بازیکنانی که در پست‌های خودشان بهترین دنیا بودند و هنوز هم فدراسیون جهانی از آنها به نیکی یاد می‌کند ولی روزی جوان‌ترها می‌آیند. شاید می‌شد در این ۴ سال اخیر در تورنمنت‌های مختلف بیشتر از جوان‌ها استفاده می‌شد که امروز تجربه خوبی داشته باشند که این اتفاق نیفتاد. تجربه‌شان کم است و باید صبر و تحمل کنیم و اجازه دهیم بازی‌های زیادی را ببرند، ببازند، کسب تجربه کنند و در موقعیت‌های مختلف و امتیازهای حساس بازی ببینند و یاد بگیرند و درنهایت بتوانیم برای المپیک بعدی به آنها اتکا کنیم ولی فکر می‌کنم نسل خوبی داریم و دو سه بازیکن مصدوم هم داریم که در آینده نزدیک به این تیم اضافه می‌شوند و خود همین اضافه شدن بازیکنان مصدوم می‌تواند کیفیت تیم را بالا ببرد، ضمن اینکه حتما طی یکی دو سال آینده بازیکن جوان به جمع تیم اضافه می‌شود و می‌توان یک تیم جنگنده و پرنرژری در تیم‌ملی کشورمان داشته باشیم.

می‌شود به سکو فکر کرد؟

صحت‌کردن درباره سکو برای مسابقات لیگ ملت‌ها سخت است، من نمی‌خواهم بگویم ناامید از این موضوع هستم ولی فکر می‌کنم این کار خیلی سخت است، البته هیچ کاری در ورزش نشدنی نیست ولی روی کاغذ و اگر بخواهیم واقع‌نگر باشیم بسیار سخت است و فکر می‌کنم بعید است تیم ما در این مسابقات صاحب مدال نشود. به‌رغم توانایی و لیاقت بازیکنان‌مان اما باید با تجربه‌تر شوند و مسابقات مختلف را بگذرانند تا صاحب مدال شویم. ضمن اینکه فراموش نکنیم نسل قبلی ما با وجود تمام شایستگی‌هایی که داشت و واقعا ستاره بودند ولی در لیگ ملت‌ها به کسب مدال نزدیک شدند اما نتوانستند مدال بگیرند. بنابراین مدال گرفتن در لیگ ملت‌ها یوا تورنمنت‌های جهانی واقعا سخت است. باید تحمل کنیم و به تیم جوانان‌مان فرصت دهیم تا برای آینده روی‌شان حساب کنیم.



یک بازی تدارکاتی شاید معادل ۱۰ روز تمرین به یک تیم کمک کند و اطلاعات به کادر فنی بدهد و حتی برای بازیکنان بار فنی داشته باشد. پس بازی با صربستان قطعا به تیم ما توانسته کمک و هماهنگی نسبی را ایجاد کند ولی ما در بازی با چین دیدیم که هنوز به هماهنگی بیشتر نیاز داریم و اگر تیم‌ملی سه یا ۴ بازی قبل از مسابقات انجام می‌داد هماهنگی بهتر می‌شد ولی امیدواریم بازی به بازی شرایط و هماهنگی بهتر شود و بازیکنان به راحتی همدیگر را در زمین پیدا کنند و توانایی‌های‌شان را بهتر به نمایش بگذارند.

آماده‌سازی تیم‌ملی برای لیگ ملت‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این معمول است که وقتی لیگ تمام می‌شود تعطیلات سال نو است و بعد اردوها شروع می‌شود. شروع با کار بدنسازی و ریکاوری و درمان بازیکنان آسیب‌دیده است و من فکر می‌کنم تیم ما خوب تمرین کرد و حتی برای باشگاه‌های آسیا بازیکنان تیم‌ملی یک هفته فقط در اختیار باشگاه پیکان و یزد قرار گرفتند، بنابراین کنار تیم‌ملی بودند و کار بدنی را انجام می‌دادند و فکر می‌کنم بیس کار بد نبود ولی میلاد عبادی پور مسابقاتش طول کشید و دیرتر به تیم ملحق شد و دو سه بازیکن آسیب‌دیده تیم‌ملی که نتوانستند تا الان از آنها استفاده کنند و شاید نبودن‌شان در تمرینات ذهن سرمربی را مشغول کند ولی در مجموع کار آماده‌سازی تیم از نظر آمادگی جسمانی و تمرینی با توجه به همین توانایی و نفرتا بد انجام نشد. تیم‌ملی توانست شرایط خوبی داشته باشد ولی قطعا تعداد کم بازی تدارکاتی برای حضور در لیگ ملت‌ها می‌تواند یک مقدار کار را برای کادر فنی سخت کند.

هم مصدوم داشتیم و هم بازیکنانی که خداحافظی کردند، این نبودن‌ها مسیر تیم‌ملی را در این رقابت‌ها سخت نمی‌کند؟

درنهایت باید بپذیریم هر نسلی از والیبال تغییر می‌کند. ما نسل افتخارآمیزی



نسیم شیرازی

خبرنگار

جوانان بلندقامت ایران با پیراهن تیم‌ملی یزرگسالان در اولین بازی خود در لیگ ملت‌های والیبال به مصاف چین رفتند و این تیم را ۳ بر یک شکست دادند تا اولین گام را قدرتمند، برای ثبت بهترین عملکرد یک تیم جوان به نمایش بگذارند. این ابتدای راه والیبالیست‌های ایران با تیم تازه شکل گرفته‌اش است، تیمی که گرچه راه زیادی برای رسیدن و ثبت نسل طلایی دیگری در والیبال پیش رو دارد ولی تجربه خوب نسل گذشته را توشه راهش دارد و همین یاد گرفتن بزرگی کردن در دنیا هم انگار به خون و رگ والیبال ایران رفته و جوانانی که شاید برای اولین بار حضور در لیگ ملت‌ها را تجربه می‌کنند اولین گام‌شان را محکم برداشتند. دریافت‌کننده قدرتی پیشین تیم‌ملی و تحلیلگر حال حاضر والیبال هم می‌گوید باید به این نسل جدید فرصت بزرگی کردن داد. در ادامه گفت‌وگوی «فرهیختگان» با محمود افشاردوست را می‌خوانید.

۱۱۱

از عملکرد فنی ایران در اولین مسابقه‌اش بگویید.

در اولین مسابقه قطعا باید به نتیجه نگاه کنیم و باتوجه به اینکه نتیجه ۳ بر یک نتیجه خوبی است و می‌توانست حتی با کمی تیزهوشی ۳ بر صفر هم باشد بنابراین عملکرد تیم‌ملی در بحث نتیجه خوب بوده است. از لحاظ فنی هم تیم ما خوب کار کرد و به چین فشار آورد و اجازه نداد بازی خودش را انجام دهد. ست اول سرویس‌های خیلی خوبی زدیم و در ادامه خوب هم دفاع کردیم، توپ اول‌مان خوب رسید و پاسورمان با پاس خوب حمله خوبی را ایجاد کرد و توانستیم ست اول را ببریم. در ست دوم اشتباهات‌مان متأسفانه زیاد شد و شاید تصور بازیکنان این بود که راحت می‌بریم و اول بازی چند امتیاز عقب افتادیم و چین ابتکار عمل را به دست گرفت که توانست ست دوم را ببرد. در ست سوم هم تا امتیاز ۱۸ تقریبا برابر پیش می‌رفتیم و بعد از آن سرویس‌ها، دفاع و حمله خوب شرایط تیم ما را عوض کرد و توانستیم بازی را ببریم، ست چهارم هم که دیگر راحت بازی کردیم. در مجموع عملکرد فنی تیم ما خوب بود.

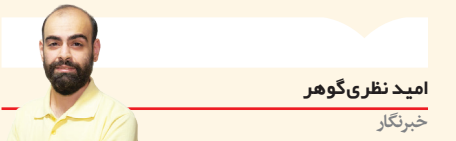
این بازی می‌تواند محک خوبی برای ارزیابی ایران باشد؟

فکر می‌کردم چین بهتر عمل کند و با بازی بهتر بیشتر ما را تحت فشار بگذارد. باتوجه به اینکه تیم ما هم ۴۸ ساعت قبل از بازی با چین به برزیل رسیده بود و به لحاظ هماهنگ شدن ساعت بدن بازیکنان ما تحت‌فشار بودند، فکر می‌کردم چین ما را بیشتر اذیت کند ولی شاید به نوعی بازی تیم‌ملی ما و مختل کردن بازیکنان کلیدی آنها از طرف تیم ما باعث این شد که نتوانند تمام توان‌شان را نمایش بدهند. چین تیمی خطرناک و بسیار خوب است و سرعتی زن و بلندزن‌های خیلی خوبی هم دارد ولی انصافا تیم ما خوب بازی کرد و چینی‌ها نتوانستند فشار تیم ما را طاقت بیاورند و از هم بآشپدند.

بعضی بازیکنان به اردوی صربستان رسیدند و دیر به تمرینات تیم اضافه شدند، اردو و بازی صربستان توانست هماهنگی لازم را در تیم ایجاد کند؟

قرار نبود آنجا اردوی خاصی انجام نشود و صربستان برای بازی تدارکاتی بود که قطعا به تیم خیلی کمک کرد. قبل از اینکه تیم وارد مسابقات رسمی شود اینکه بتواند بازی رسمی با شکل و شمایل مسابقه رسمی داشته باشد می‌تواند خیلی به تیم و بازیکنان کمک کند تا خودشان را با آنچه که سرمربی می‌خواهد وفق دهند.

گزارش



امید نظری گوهر

خبرنگار

بعد از جدایی فرهاد مجیدی از قهرمان لیگ بیست‌ویکم و قبول هدایت الاتحاد کلبا امارات حالا نوبت سپاهان اصفهان است که بعد از استعفا ی محرم نویدکیا فردی جدید با افکار تازه را روی نیمکت خود ببیند.
اسطوره محبوب زردپوشان اصفهانی که در زمان حضور ۱۶ ساله خود به‌عنوان بازیکن در این تیم توانسته بود ۵ قهرمانی لیگ برتر، ۴ قهرمانی جام‌دفی، نایب‌قهرمانی لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۰۷ و نایب‌قهرمانی دوره هفتم لیگ برتر را تجربه کند، بعد از حضور ناموفق افرادی همچون ایگور استیماچ، عبدالله ویسی، زلاتکو کرانچار، منصور ابراهیم‌زاده و امیر قلعه‌نویی در سالی که ورود مربیان و بازیکنان خارجی ممنوع بود هدایت سپاهانی را برعهده گرفت که ناکامی‌اش در کسب جام به ۵ فصل رسیده بود و با تووقات، خواسته‌ها و امکانات باشگاه اصفهانی تناسب و سنجیت نداشت.
این مربی در ۳۷ سالگی بعد از اتمام دوره نوزدهم لیگ برتر در فاصله ۹ روز تا برگزاری ۴ دیدار باقی‌مانده سپاهان در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۰ هدایت این تیم را برعهده گرفت و در همان بازی نخست افکار و سبک متفاوتش نسبت به مربی قبلی زردپوشان را به نمایش گذاشت.

فاصله خواسته‌های اسطوره با واقعیت‌های لیگ برتر

محرم در اولین حضورش در حیطه مربیگری مقابل شاگردان روی ویتوریا در النصر عربستان با کمترین تغییرات از حیث ابزارهای استفاده‌شده سبکی متفاوت نسبت به قلعه‌نویی را ارائه داد و به بازیکنانی مثل کیانی و استنلی افکاری شناورتر و چشم‌نوازتر تزریق کرد که البته با خواسته‌های فنی او فاصله بیش از حد داشت اما برای دوران گذر از افکار سنتی قلعه‌نویی به اندیشه‌های هجومی‌تر و چشم‌نوازتر نویدکیا این میانه‌روی بین استراتژی‌های مربی اسبق و فعلی الزامی به نظر می‌رسید.
با شروع دوره بیستم لیگ برتر ذات آرمان خواه و ایده‌آل گرای نویدکیا به منطق فوتبال

تلاش نافرجام اسطوره برای بازگرداندن سپاهان به مسیر قهرمانی

پیشگیری به سبک نویدکیا

دفاعی شد که دارای توانایی هجومی مناسبی بودند اما در وظایف دفاعی که بخش اصلی و جدانشدنی این پست است قابلیت یک بازیکن مطمئن را نداشتند؛ همین موضوع باعث حضور حاج‌صفی در اردوی سپاهان شد، تیمی که از توازن مناسبی در بخش هجومی و دفاعی برخوردار بود.
حضور این بازیکن در میانه زمین زردپوشان منجر به کسب ۲۱ امتیاز در ۱۳ دیدار نهایی شد. البته این برای قهرمانی کافی نبود و این تیم با ثبت ۵۳ گل زده، ۲۴ گل خورده و ۶۵ امتیاز در جایگاه دوم دوره بیستم لیگ برتر قرار گرفت.

سپاهان درگیر زرق و برق نقل و انتقالات

با فرارسیدن نقل و انتقالات

لیگ بیست‌ویکم سپاهانی‌ها برای غلبه بر حسرت ۶ ساله خود در راه قهرمانی لیگ برتر با حضور فعال در پنجره نقل و انتقالات تابستانی بازیکنان موثر همچون شهریار مغاللو، فرشاد احمدزاده و مسعود ریگی را جذب کردند که قابلیت‌های فنی غیرقابل انکاری داشتند اما بعضی خریدهای سپاهان اصلا با افکار نویدکیا متناسب نبود و با حضور بخش دیگری از بازیکنان کادرفنی سپاهان در استفاده بهینه و مناسب از تمام ابزارهای فنی‌اش ناکام ماند.
شماره ۴



از شرایط موجود و بهره‌گیری رقیب از ۸ شوت در چهار چوب شکست ۵ بر ۲ را برای نماینده فوتبال ایران رقم زد.

افکار تکامل پیدا نکرده دشمن ۲ فصل اخیر سپاهان

سپاهان ۷۵ دیداری که هدایتش برعهده نویدکیا بود درون مستطیل سبز (تتجه‌اندیشه‌ای دیدار گل گهر و سپاهان محاسبه نشده است) ۴۰ بار پیروزی، ۲۱ تساوی، ۱۴ شکست، ۱۱۲ گل زده و ۶۹ گل خورده را ثبت کرده است.
نویدکیا خیلی تلاش کرد قانون نانوشته «گل نخوردن در راه قهرمانی از گل زدن مهم‌تر است» را از دهان فوتبال‌دوستان پاک کند اما جسارت بیش از حد و استراتژی‌های ستاره‌محورش اسم سپاهان لیگ بیست‌ویکم را بیسن تیم‌های ناکام تاریخ فوتبال ایران قرار داد.
این مربی اخلاق مدار که هنوز از نظر رفتار و برخورد مثل دیگر افراد حاضر در فوتبال ایران عمل نمی‌کند و به قول معروف ایران‌بیزه نشده است، اندیشه‌های دفاعی خام و تکامل پیدا نکرده به تیمش تزریق کرده بود که همین موضوع یکی از دلایل ناکامی سپاهان بود.
تیم تحت هدایت او بیش از اندازه به پاس‌های روی زمین و استفاده از طول و عرض زمین متکی بود که همین موضوع منجر به مشکل این تیم مقابل تیم‌هایی همچون فولاد تحت هدایت نکونام بود و فضای زمین را برای حریفان کوچک می‌کردند و با استفاده از ضدحملات و ضربات شروع مجدد توپ را وارد دروازه رقیب می‌کردند.
قطعا اگر باشگاه‌های فوتبال ایران برنامه‌های مشخص و بلندمدت داشتند شخصی مثل محرم نویدکیا به‌مرور زمان در کنار سرمربی‌های بزرگ و باتجربه بین المللی قرار می‌گرفت و نقشه‌های در ذهنش به‌مرور زمان ترقی پیدا می‌کرد اما این مربی در پایان لیگ نوزدهم در روزهایی که ورود مربیان خارجی ممنوع بود هدایت این تیم را از اندوهی از اندیشه‌های امتحان نشده قبول کرد و بعد از ۲ فصل احساس کرد قابلیت کمک به سپاهان لیگ بیست‌ودوم را ندارد و استعفا ی خود را تقدیم مدیران این باشگاه کرد.
نویدکیا موفق نشد به حسرت سپاهان در راه قهرمانی این دهد اما حضور اسطوره فوتبال اصفهان روی نیمکت زردپوشان منجر به کسب اعتبار دوباره کادر مدیریتی این باشگاه بعد از چند سال ناکامی مدیریتی شد.